

دکتر محمد علی خیراللهی  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

## تحقیقی تاریخی و فقهی پیرامون خمس در صدر اسلام

### چکیده:

خمس در لغت به یک پنجم اموال گفته می‌شود. طبری عنوان نموده است برای آل محمد، صدقه حلال نیست، پس خداوند تبارک و تعالی، خمس را برای آنان قرار داد. در عصر جاهلیت نیز نوعی خمس در میان قبایل عرب جریان داشته، البته مقدار آن یک چهارم بوده است که به ربیع مشهور شده بود. از علی بن حاتم سخنی نقل شده که عنوان می‌کنند در جاهلیت ربیع می‌گرفتم و در اسلام خمس دریافت می‌کنم. رسول مکرم اسلام (ص) خمس را به شش قسم تقسیم می‌کرد، برای خدا و رسول دو سهم و یک سهم برای نزدیکان و بستگان. در سنن بیهقی نیز آمده است که حضرت علی (ع) کراهت داشت از این که برخلاف روش ابوبکر و عمر حمل نماید. بعد از حضرت علی (ع) که معاویه به عنوان خلیفه‌ی مسلمانان حکومت می‌کرد، روشی دیگر نداشت و عموماً خمس را در سیطره‌ی خود قرار می‌داد. عمر بن عبدالعزیز اعتقاد داشت که خمس باید به خاندان رسول مکرم اسلام (ص) بازگردد و آنان از آن استفاده کنند. ابن قدامه عنوان می‌کند هر آن کس که با نص کتاب در خمس مخالفت می‌ورزد، نمی‌توان قول او را پذیرفت.

### کلید واژه:

خمس، سیره نبوی، تقسیم، خلفا، اهل سنت.

## مقدمه

یکی از مفاهیمی که در فرهنگ فقهی ما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، مبحث خمس می‌باشد در خصوص خمس کتاب مستقلاً در فقه تنظیم شده است که فقهای ما به بحث وجوب و احکام آن پرداخته‌اند. اما آنچه که کمتر بدان توجه می‌شود، ریشه‌های تاریخی در فلسفه‌ی خمس و نگرش بدان از این جهت است که خمس در عهد رسول مکرم اسلام(ص) و خلفای بعد از آن حضرت به چه نحو بوده و ریشه‌های تاریخی آن چیست؟ بدیهی است که اگر محقق در مسایل فقهی به ریشه‌های تاریخی یک حکم دست یابد در جهت نتیجه‌گیری و بیان مسائل آن از تسلط بالاتری برخوردار خواهد بود، این مقاله نیز با توجه به اهمیت مبحث خمس در صدر اسلام و روش خلفای بعد از پیغمبر اسلام(ص) تدوین شده است.

## ۱- خمس در لغت و شرع

خمس در لغت به یک پنجم اموال گفته می‌شود که این مفهوم از بدیهیات محسوب می‌گردد، در شرع مقدس اسلام برای مواردی خاص که عبارت از خدا و رسول باشد، خمس اموال و غنائم در نظر گرفته شده است که تفسیر آن، خود موضعی دیگر می‌طلبد که برای اثبات وجوب خمس در کتاب‌های فقهی ادله‌ی محکمی آورده شده که ما از آن اجتناب می‌کنیم اما به‌طور خلاصه عنوان می‌نماییم که طبری از قول مجاهد، آورده است؛ برای آل محمد، صدقه حلال نیست، خداوند تبارک و تعالی، خمس را برای آنان قرار داد. (طبری، تفسیر، ۱۰/۵) و از طریق ائمه‌ی معصومین نقل شده است که امام سجاد(ع) علی بن الحسین به مردی از اهالی شام عنوان کرد آیا این آیه را در قرآن نخوانده‌ای؟ (واعلموا انما غننتم من شیء فان الله خمسہ و للرسول و لذی القربی... و بدانید هرگونه غنیمتی به شما رسد، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است...) آن مرد گفت بله، آیا شما از آنان هستید؟ امام سجاد(ع) فرمودند: بله. (همو، همان، ۱۰/۷) و نیز نیشابوری در حاشیه‌ی تفسیر طبری از امام

علی بن الحسین (ع) نقل کرده است در خصوص آیهی (والیتامی و المساکین) که امام سجاد (ع) فرمودند: آن عبارت از ایتم و مساکین ما اهل بیت است. (همانجا)

در این دو مورد، همان‌گونه که مشخص است، خمس اموال بر اساس آیه و روایاتی که در مباحث بعد نقل می‌گردد به خدا و رسول و خاندان پیامبر اسلام (ص) اختصاص دارد که در این مسأله، اجماع و اتفاق مسلمانان ثابت است که آن به عنوان یکی از روش‌ها و سیره‌های نبوی شناخته شده و معروف است که مسلم در صحیح خود نقل می‌کند؛ رسول مکرم اسلام (ص) آن‌گاه که طعامی به نزد او آورده می‌شد، سؤال می‌کرد پس اگر گفته می‌شد آن هدیه است از آن تناول می‌کرد و اگر گفته می‌شد، صدقه است، بدان دست نمی‌زد و آن را تناول نمی‌فرمود. (صحیح مسلم، ۳/۱۲۱)

همان‌گونه که از این نقل مشخص است، صدقه بر رسول مکرم اسلام (ص) حرام بوده و به جای آن خداوند تبارک و تعالی خمس را بر رسول اسلام (ص) حلال کرد.

و نیز بخاری در صحیح خود بدین نکته اشاره کرده که رسول مکرم اسلام (ص) از مسیری عبور می‌کرد که امام حسن (ع) به همراه آن حضرت بود و وقتی خرمایی به عنوان صدقه به او داده شد، رسول مکرم اسلام (ص) فرمودند: آن را دور بینداز آیا نمی‌دانی که ما از صدقه چیزی نمی‌خوریم. و در روایت دیگر آمده است، صدقه بر ما حلال نیست. (بخاری، صحیح بخاری، ۱/۱۸۱)

## ۲- خمس در عصر جاهلی

در عصر جاهلیت، قبل از اسلام نیز به نوعی خمس در قبایل میان عرب جریان داشته که البته با توجه به این‌که مقدار آن یک چهارم بوده است به ربع مشهور شده بود و عنوان شده است که رؤسای عرب در جاهلیت ربع غنایم یعنی یک چهارم آن را دریافت می‌کردند. و آن‌گاه که واژه‌ی ربع اطلاق می‌شد به معنی گرفتن یک چهارم از اموال یک قوم بوده است، پس به ربعی که رئیس قبیله آن را دریافت می‌کرد، مربع گفته می‌شد و در حدیثی از رسول مکرم اسلام (ص) نقل شده که روزی به علی بن حاتم قبل از این‌که اسلام بیاورد فرمودند: تو مربع یعنی ربع اموال را دریافت می‌کنی در حالی که در دین و مکتب تو آن حلال نیست. (ابن هشام، سیره النبی، ۴/۲۴۹)

بنابراین به مرور زمان کلمه‌ی ارتباع به مفهوم ریاست و امارت قوم بدل گشت و اگر گفته می‌شد که کسی به عنوان رباعه‌ی قوم انتخاب شده، یعنی سرور و مولای آن قوم و قبیله است. (ابن اثیر، النهایه، ۲/۶۲) و نیز درباره‌ی خمس در کتاب نهاییه آمده است که از علی بن حاتم سخنی نقل شده است که در جاهلیت، ربع می‌گرفتیم و در اسلام، خمس دریافت می‌کنم، یعنی این که من به عنوان امیر و بزرگ قوم خود در جاهلیت ربع اموال و غنایم را دریافت کردم و هم اکنون در دوره‌ی اسلام، خمس آن را دریافت می‌کنم. (همو، ۱/۳۲۳)

### ۳- خمس در قرآن

واژه‌ی خمس در قرآن کریم آمده است و به عنوان یکی از واجبات در شریعت مقدس اسلام محسوب گشته و در آیه‌ی مشهور در سوره‌ی انفال بدان پرداخته شده است: *و اعلموا انما غنتم من شیء فان الله خمسہ و للرسول و لذی القربی و الیتیمی و المسکین و ابن السبیل ان کنتم ءامنتم بالله و ما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شیء قدیر. معنی آن: و بدانید هرگونه غنیمتی به شما رسد، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است، اگر شما به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان یعنی روز جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان آورده‌اید، و خداوند بر هر چیز قادر است.* (سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۴۱)

این آیه اگر چه در موردی خاص مطرح شده اما حکم عامی را که همان عبارت از وجود خمس می‌باشد و از هر آنچه که به عنوان غنیمت محسوب می‌شود، خمس در نظر گرفته شده، در این تشریح دین مبین اسلام به جای ربعی که در جاهلیت بوده است خمس در نظر گرفته و در واقع مقدار آن را تقلیل داده است و از آن سو، اصحاب خمس را زیاد کرد.

بر این اساس، سهمی را برای خدا و سهمی را برای رسول و سهمی را برای اقرباء رسول و سه سهم را برای یتامی و مساکین و ابن سبیل از فقرای اقربای قرار داد و خمس را لازمه‌ی هر آنچه که به دست آوردند در نظر گرفت و آن را خمس در مقابل مریع در زمان جاهلیت قرار داد.

#### ۴- خمس در سنت نبوی

در سنت رسول مکرم اسلام(ص) و سیره‌ی آن حضرت، خمس به عنوان امری جاری وجود داشت که در موارد مختلف رسول مکرم اسلام(ص) خمس را دریافت می‌کرد. در سنن ابن ماجه از ابن عباس نقل شده است که رسول مکرم اسلام(ص) در رکاز خمس قرار داد (قضی رسول الله فی رکاز الخمس. یعنی رسول مکرم اسلام(ص) در دفینه‌های جاهلیت خمس را قرار داد.) (ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ۸۳۹) و در مسند احمد از انس بن مالک روایت شده است که روزی ما به همراه رسول مکرم اسلام(ص) به خیبر رفته بودیم پس یکی از اصحاب ما به خرابه‌ای داخل شد و پس از آن که برگشته بود به همراه خود مقداری طلا آورد و عنوان کرد که آن را در خرابه پیدا کرده است پس به نزد رسول مکرم اسلام(ص) رسید و پیامبر اسلام(ص) فرمود که آن را وزن کن پس از وزن مشخص شد که آن از لحاظ وزن بیش از دوپست درهم می‌باشد که رسول مکرم اسلام(ص) فرمودند: این رکاز است و در آن خمس می‌باشد. (همو، ۳/۱۲۸)

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، رسول مکرم اسلام(ص) برای رکاز، یعنی گنج‌هایی که از قدیم در زمین وجود داشت و یا در زمان جاهلیت مردم به جای می‌گذاشتند، واژه‌ی رکاز را به کار برده و در محدوده‌ی خمس قرار دادند. و نیز در مسند احمد آمده است که مردی از سرزمین مزینه از رسول مکرم اسلام(ص) سؤالاتی کرد که در آن این مسأله نیز وجود داشته است: ما در خرابه‌ها و آرام گنج‌هایی می‌یابیم پس با آن چه کنیم؟ پس رسول مکرم اسلام(ص) در پاسخ فرمودند: در این موارد و در رکاز خمس است. (احمد، مسند احمد، ۲/۱۸۶) مقصود از خرابه مشخص است که سرزمین‌ها و خرابه‌هایی است که رو به خرابی گذاشته و از قدیم وجود داشته و در آن گنج‌هایی مدفون شده است و اما مقصود از کلمه‌ی آرام، در نهاییه این اثیر آمده است که آرام عبارت از علامت‌هایی است به مثابه‌ی سنگ که در زمان‌های گذشته اگر کسی در مسیر خود رگه‌هایی از طلا یا نقره پیدا می‌کرد و یا به گنجی برمی‌خورد در جایی قرار می‌داد و بر روی آن علامتی سنگی قرار می‌داد که به واژه‌ی آرام مشهور بوده‌اند که در این حدیث از رسول مکرم اسلام(ص) سؤال شده است که در خصوص آرام تکلیف چیست؟ که پیغمبر اسلام(ص) مبحث خمس را در آن وارد کرده‌اند.

نتیجه‌ی بیاناتی که مطرح شد به این ترتیب است که رسول مکرم اسلام(ص)، امر به وضع خمس برای هر آنچه که از زمین خارج می‌شده، کرده است و طلا، نقره، گنج، معدن در این امر مساوی بوده‌اند. و همان گونه که مشخص است هیچ یک از این‌ها، غنائم جنگی نبودند، چرا که برخی گمان می‌کردند خمس فقط در میان غنائم جنگی مطرح می‌شده است.

و نیز بخاری در صحیح خود در یکی از مکاتب رسول مکرم اسلام(ص) سخن می‌گوید که عبدالقیس از سرزمینی دور برای رسول مکرم اسلام(ص) نامه نوشت و عنوان کرد از آنجا که میان شما و مشرکین جنگ می‌باشد و ما نمی‌توانیم به نزد شما حضور یابیم پس به ما اوامر خود را بفرما تا بدان وسیله به بهشت داخل شویم که رسول مکرم اسلام(ص) به چهار مورد امر کرد و فرمودند به شما امر می‌کنم تا ایمان به خداوند داشته باشید و نماز به پا دارید و زکات دهید و خمس را از غنائم خود پرداخت نمایید. (بخاری، صحیح بخاری، ۴/۲۰۵)

و نیز در کتاب‌های تاریخ آمده است که وقتی اسلام ظهور پیدا نمود و مقام آن عالی شد و سرزمین عربستان به مرور زمان در زیر پرچم اسلام قرار گرفت از کشور یمن و دیگر مناطق نامه‌هایی به دست رسول مکرم اسلام(ص) رسید تا این که پیغمبر اسلام(ص) آنان را مورد تأیید قرار دهد که رسول مکرم اسلام(ص) نیز نامه‌هایی به آنها نوشت تا این که اقرار به خداوند تبارک و تعالی داشته باشند و نیز وی نمایندگانی به سوی آنها فرستاد تا این که سنت نبوی را به آنان تعلیم دهند و صدقات آنان را قبض کنند.

طبری به یکی از این نامه‌ها اشاره می‌کند: بسم الله الرحمن الرحيم، این بیانی از خدا و رسول است یا ایها الذین امنوا افوا بالعقود عهد و بیانی از محمد رسول نبی اسلام(ص) است برای عمر بن حذم هنگامی که او را به سوی یمن فرستاد او را امر به تقوی نمود و این که از غنیمت‌ها خمس آن را برای خداوند بردارد. (تاریخ طبری، ۱/۱۷۲۷)

و نیز ابن سعد از یکی از نامه‌های رسول مکرم اسلام(ص) نقل می‌کند که پیامبر اسلام طی نامه‌ای برای سعد هضم از قبیله‌ی قضاة و نیز قبیله‌ی جذام نامه‌ی واحدی فرستاد که در آن به فریضه صدقه امر فرمود و نیز بدان‌ها دستور داد تا این که صدقه و خمس را به نمایندگان رسول مکرم اسلام(ص) پردازند. (طبقات، ۱/۲۷۰)

و نیز رسول مکرم اسلام(ص) در طی نامه‌ای به خاندان ازدی و قومش آورده‌اند: که نماز به‌جا آورند و زکات دهند و خدا و رسولش را اطاعت کنند و از غنائم، خمس خداوند تبارک و تعالی و نبی را پرداخت کنند که در این صورت ذمه‌ی خداوند و ذمه‌ی رسول اسلام(ص) با آنها خواهد بود. (الهندي، کنز العمال، ۵/۳۲۰)

### ۵- تقسیم خمس در سیره‌ی نبوی

در سیره‌ی نبوی رسول مکرم اسلام(ص) بر اساس بیانی که در تفسیر طبری آمده، نزدیکان پیغمبر اسلام(ص) خمس را به شش قسم تقسیم کرده است، برای خدا و رسول دو سهم و یک سهم برای نزدیکان و بستگان. و از ابی‌العالیه ریاحی نقل شده است وقتی به نزد رسول مکرم اسلام(ص) غنیمتی آورده می‌شد، آن پیامبر غنیمت را به پنج قسمت تقسیم می‌کرد، چهار پنجم را برای صاحبان آن قرار می‌داد و یک پنجم آن را خود دریافت می‌کرد که همان خمس باشد.

بخشی از آن برای کعبه که سهم خداوند باشد قرار می‌داد و بخشی دیگر را سهم رسول و ذی‌القربی و یتامی و مساکین و ابن‌سبیل قرار می‌داد و عنوان می‌کرد آن‌چه که برای کعبه قرار داده، سهم خدا است. (طبری، تفسیر طبری، ۱۰/۴)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، رسول مکرم اسلام(ص) خمس را به شش قسمت تقسیم می‌کرد که همین روش موافق با نص آیه‌ی خمس می‌باشد و این‌که در این روایت آمده است که رسول مکرم اسلام(ص) سهمی را برای کعبه قرار می‌داد، آن اتفاق بود چرا که در مواردی دیگر پیامبر اسلام(ص) فرموده‌اند که خمس خداوند با خمس رسول واحد است که پیامبر اسلام(ص) آن را دریافت می‌کرد و هر آنجا که مصلحت می‌دید، هزینه می‌کرد که این روش یعنی دریافت سهم خدا و رسول، توسط پیامبر اسلام(ص) در همین تفسیر طبری به دو سند آمده که رسول مکرم اسلام(ص) چهار پنجم اموال را به صاحبان آن می‌داد و یک پنجم را خود دریافت می‌کرد و سهم خدا و رسول را خود هزینه می‌کرد. (تفسیر طبری، ۱۰/۵)

و نیز بلاذری در فتوح البلدان خویش از محاصره‌ی رسول مکرم اسلام(ص) نسبت به یهودیان خیبر سخن گفته و در خصوص غنائم و خمس آن چنین عنوان کرده است که رسول اسلام(ص) سهم غنائم خیبر را ۳۶ سهم قرار داد و هر سهمی را ۱۰۰ سهم در

نظر گرفت که ۱۸ سهم برای رسول مکرم اسلام(ص) و ۱۸ سهم برای مسلمانان که میان خود تقسیم کنند که رسول اسلام(ص) نیز مانند سهم یک نفر دریافت می‌کرد. (بلاذری، فتوح البلدان، ۱/۲۹)

همان گونه که ملاحظه می‌گردد و نیز بلاذری آورده است که رسول مکرم اسلام(ص) بخشی از سهم مسلمانان را بین کسانی که در جنگ حدیبیه حضور داشتند و کسانی که به همراه جعفر بن ابی طالب به سرزمین حبشه رفتند نیز قرار داده بود. (همو، همان، ۱/۲۸)

### ۶- خمس در عصر خلفای بعد از پیامبر اسلام(ص)

همان گونه که در قسمت قبل ملاحظه گردید، رسول مکرم اسلام(ص) سیره‌ی مشخصی در تبیین خمس و تقسیم آن داشتند اما بر اساس نقل‌های روایی و تاریخی، این سیره بعد از رحلت رسول مکرم اسلام(ص) تغییر کرد. در احکام القرآن جصاص آمده است: بعد از رحلت رسول مکرم اسلام(ص) در خصوص سهم رسول اسلام(ص) و سهم ذوی القربی میان مسلمانان اختلاف شد. برخی عنوان کردند سهم رسول اسلام(ص) برای خلیفه است و برخی عنوان کردند، سهم ذوی القربی برای بستگان رسول اسلام(ص) است و طائفه‌ی دیگری گفتند، سهم ذوی القربی برای بستگان خلیفه‌ی بعد از پیامبر است. (جصاص، احکام القرآن، ۳/۶۰) و هم او در روایت دیگری عنوان کرده است هنگامی که پیغمبر اسلام(ص) رحلت فرمود ابوبکر نصیب بستگان پیغمبر را به مسلمانان رد کرد و آن را در مسیر فی سبیل الله قرار داد. (همان‌جا) و در تفسیر طبری از قتاده آمده است: هنگامی که از او سهم ذوی القربی سؤال شد، او عنوان کرد این روزی و قسمتی برای پیامبر اسلام(ص) بود و هنگامی که فوت کردند ابوبکر و عمر آن را در مسیر فی سبیل الله قرار دادند. (طبری، تفسیر طبری، ۱۰/۶) و بر اساس همین نقل بود که جبیر بن مسلم در روایت خویش عنوان کرد، ابوبکر به بستگان رسول الله(ص) آن چه که پیغمبر(ص) بدان‌ها اعطاء می‌کرد را پرداخت نمی‌کرد. (احمد، مسند احمد، ۴/۸۳)

در عهد خلیفه‌ی سوم یعنی عثمان نیز خمس به همین طریق اعمال می‌شد اما در یکی از عملکردهای او آمده است که عثمان خمس فتوحات آفریقا را یک بار به عبدالله بن سعد و بار دیگر به مروان بن حکم داد.



این نقل از ابن اثیر است که در تاریخ خود آورده: عثمان در نبرد اول در فتوحات آفریقا خمس غنائم را به عبدالله واگذار کرد و در نبرد دوم خمس آن را به مروان. (ابن اثیر، تاریخ ابن اثیر، ۳/۷۱) پس از این ماجرا، روزی مروان به هنگامی که در مدینه خانه‌ای نو ساخت مردم را برای ولیمه و طعامی دعوت کرد و هنگامی که جمعیت حضور داشتند، مروان عنوان کرد به خدا قسم من در ساختن این خانه‌ی بزرگ به هیچ وجه از اموال مسلمانان هزینه نکرده‌ام. شخصی بلند شد و عنوان کرد اگر به غذای خود مشغول شوی و ساکت گزندی برای نو بهتر است ما با تو در آفریقا نبرد کردیم در حالی که تو از ما کمترین فرد از لحاظ اموال و بردگان بودی اما عثمان خمس فتوحات آفریقا را به تو داد و از اموال مسلمانان آن‌چنان به دست آورده‌ای که سرمایه‌های تو به اوج خود رسید. (بلذری، انساب الانساف، ۵/۲۸) بعد از عثمان که خلافت حضرت علی(ع) آغاز گشت، حضرت علی(ع) نیز از نظر عملکرد نسبت به خمس، همان مسیر خلفا را ادامه داد یعنی خمس را برای بیت المال قرار می‌داد به این ترتیب که وقتی ابوبکر و عمر و عثمان خمس را سه سهم می‌کردند، سهم پیغمبر و سهم ذوالقربی را حذف می‌کردند اما به ابن سبیل و ایتم و مساکین از خاندان رسول الله و به جز خاندان رسول الله سهمی اعطاء می‌کردند. حضرت علی(ع) نیز همان مسیر را ادامه داد که از امام باقر(ع) سؤال شد که حضرت علی(ع) در خمس چگونه عمل می‌کرد و رأی آن حضرت چه بود؟ امام باقر(ع) در پاسخ فرمودند: رأی و نظر حضرت علی(ع)، همان رأی اهل بیت است ولیکن حضرت علی(ع) کراهت داشت که با ابوبکر و عمر مخالفت ورزد. (جصاص، احکام القرآن، ۳/۶۴) و در سنن بیهقی آمده است که حضرت علی(ع) کراهت داشت از این که برخلاف روش ابوبکر و عمر عمل نماید. (بیهقی، سنن بیهقی، ۶/۳۴۳) و نیز بیهقی در نقلی عنوان نموده است که امام حسن(ع) و امام حسین(ع) و عبدالله بن جعفر از حضرت علی(ع) درخواست کردند که سهم آنان را از خمس اعطاء کند حضرت در پاسخ فرمودند: درست است آن حق شماست ولیکن من در حال نبرد با معاویه هستم پس اگر شما اراده نمایید حق شما را در خصوص این جنگ هزینه کنم. (همو، همان، ۶/۳۱۳) از این نقل مشخص می‌شود که حضرت علی(ع) خمس را در تجهیز جنگ‌ها به کار می‌برد. و خلاصه‌ی سخن چنین است که بعد از رسول مکرم اسلام(ص) خلفاء چهارگانه یعنی (ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت علی(ع)) خمس را به سه سهم تقسیم می‌کردند، سهم پیغمبر و سهم ذوالقربی

را در مسیر فی سبیل الله قرار داده و سهم ایتام، مساکین و ابن سبیل را به این سه گروه اعم از این که از خاندان رسول مکرم اسلام (ص) باشند و یا به جز این خاندان اعطاء می کردند.

#### ۷- خمس در عهد خلفای بعد از علی (ع)

بعد از حضرت علی (ع) که معاویه به عنوان خلیفه‌ی مسلمانان حکومت می نمود روشی دیگر نداشت و عموماً خمس را در سیطره‌ی خود قرار می داد بعد از هر جنگ و نبردی خمس اموال را معاویه در تحت تسلط خویش داشته و از آن بهره برداری می کرد و به هیچ وجه به آل رسول (ص) اعطاء نمی کرد.

در طبقات ابن سعد آمده است که عبدالله بن عباس و ابا جعفر عنوان کردند که از زمان معاویه به هیچ وجه خمس به خاندان اهل بیت تقسیم نشد. (ابن سعد، طبقات ابن سعد، ۵/۲۸۸)

بقیه‌ی خلفا نیز همین مسیر را طی کردند در سنن نسایی آمده است که ولید بن عبدالملک خمس غنائم را به فرزندش عمر اعطا کرد و بر اساس نوشته‌ای این گونه عنوان شده است عمر بن عبدالعزیز به عمر بن عبدالولید نامه‌ای نوشت و عنوان کرد که پدرت ولید بن عبدالملک برای تو تمام خمس را در نظر گرفت و بدان آنچه که پدرت برای تو در نظر گرفته، سهمی است که در آن حق خدا و حق رسول و حق ذوالقربی و مساکین و ابن السبیل و آل رسول می باشد و بدان با چه کسی در حال دشمنی هستی و از اموال چه کسی در حال استفاده می باشی و این بدعتی در اسلام است که خمس اموال رسول الله را خلفا مصرف کنند و من چاره‌ای ندارم جز این که دستور ولید بن عبدالملک به ارسال خمس به سوی تو را عمل کنم و تو خود می دانی که چه کنی. (نسایی، سنن نسایی، ۲/۷۸) همان گونه که از این نامه آشکار است عمر بن عبدالعزیز به این اعتقاد داشت که خمس باید به خاندان رسول مکرم اسلام (ص) بازگشته و آنان از آن استفاده کنند، بنابراین در عهد عمر بن عبدالعزیز مبحث بازگشت خمس به خاندان رسول مکرم اسلام (ص) مطرح می شود.

در طبقات ابن سعد آمده است عمر بن عبدالعزیز دستور به پرداخت خمس به بنی هاشم داد که وقتی خمس به آنان پرداخت شد بنی هاشم از عملکرد عبدالعزیز تشکر و از آن قدردانی کردند. (ابن سعد، طبقات ابن سعد، ۵/۲۸۹)

و نیز آمده است که عمر بن عبدالعزیز به ابی بکر محمد قاضی مدینه نامه‌ای نوشت و در آن دستور داد که کتیبه‌های ارزشمندی که خمس رسول مکرم اسلام (ص) در نبرد خیبر بود در چه وضعیتی قرار دارد؟ و پس از این که نامه به دست عمر بن عبدالعزیز رسید که این از سهم خاص رسول الله بود او دستور به قیمت گذاری آن داد ۴۰۰۰ دینار برای آن قیمت گذاری شد او ۵۰۰۰ دینار دیگر نیز بر آن نهاد که در مجموع به بنی هاشم اعطا گشت که در این پرداخت مهم میان مرد و زن و کوچک و بزرگ تفاوتی ایجاد نگشت. (همو، همان، ۵/۲۸۷)

و نیز در نامه‌ی دیگری از سوی عمر بن عبدالعزیز به والی مدینه عنوان شده است که خمس غنائم را به خاندان هاشم که آل رسول بوده‌اند، اعطا شود که پس از وصول این نامه بنی هاشم خمس اموال را دریافت کردند. (همان، ۵/۲۸۹)

نکته‌ی پایان این که بعد از عمر بن عبدالعزیز، دیگر سخنی از خمس مطرح نشد و در واقع خلفای بعد از او خمس این اموال را به عنوان سهم خصوصی خود دانسته و به خصوص خلفای جوروی که بعداً می‌آمدند، اعتقادی به سهم خمس برای خاندان رسول مکرم اسلام (ص) نداشتند و آن را به عنوان ملک شخصی خلیفه تصرف می‌کردند.

### بخشی از فتاوی اهل سنت در خصوص خمس

در خاتمه‌ی این مقاله به بخش اندکی از فتاوی اهل سنت در خصوص خمس اشاره می‌کنیم از آنجا که بر اساس سیره‌ی رسول مکرم اسلام (ص) و عملکرد خلفای بعد از آن تفاوت‌هایی در خصوص عملکرد نسبت به خمس وجود داشته، بنابراین فتاوی اهل سنت نیز در این زمینه متفاوت است.

شافعی عنوان کرده است خمس بر پنج قسم تقسیم می‌شود بر اساس نص آیه. در نظریه‌ی دیگر فقها آورده‌اند که خمس به چهار پنجم تقسیم می‌گردد. نظریه‌ی سوم این است که امروز خمس به سه قسم تقسیم می‌شود و سهم نبی و سهم ذوالقربی بعد از فوت پیغمبر اسلام (ص) ساقط شده‌اند و تنها سهم مساکین، ابن سبیل و ایتام باقی

می‌ماند که به آنها پرداخت می‌شود. قول چهارم این است که خمس به منزله‌ی فی می‌باشد که غنی و فقیر می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. نظریه‌ی دیگر این است که بر بقیه‌ی لشکریان توزیع می‌گردد. برخی عقیده دارند که سهم رسول الله(ص) برای خلیفه می‌باشد.

مالک فی و خمس را واحد می‌داند که در بیت المال قرار داده می‌شود. ثوری و حسن خمس را بر اساس رأی خلیفه و امیر مسلمانان تشخیص داده‌اند. ابن قدامه بعد از نقل و بررسی این فتاوا عنوان می‌کند بعد از این که روایت شده است ابوبکر خمس را به سه سهم تقسیم کرد و سهم رسول الله(ص) و سهم اقربای رسول را بعد از فوت رسول مکرم اسلام(ص) ساقط کرد به نظر ابوحنفیه اشاره می‌کند که او نیز این روش را مورد تأیید قرار داده بود که ابن قدامه عنوان می‌کند این نظریه مخالف ظاهر آیه است، همان طور که در بقیه‌ی اصناف نیز برای آنان سهمی لحاظ کرد پس هر آن کس که با نص کتاب مخالفت ورزد، نمی‌توان قول او را پذیرفت. (المغنی، ۷/۳۰۱)

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، ابن قدامه بر اساس تفسیر آیه‌ی خمس به دیدگاه شیعیان نزدیک شده است.

## نتیجه‌گیری

بعد از بررسی سیره‌ی رسول مکرم اسلام(ص) و روش خلفا به این نتیجه می‌رسیم که خمس به عنوان اصلی ثابت در دین مبین اسلام تشریح شده است که آیه‌ی مشهور قرآن کریم نیز بدان ناطق است و در عهد رسول مکرم اسلام(ص) بدان عمل می‌شده است اما بعد از رحلت رسول الله(ص) در یک سیر تاریخی به عنوان یکی از سنت‌های رسول مکرم اسلام(ص) اما کم رنگ پدیدار شد و از فقهای اهل سنت و نیز از میان خلفا در صدر اسلام کسانی بوده‌اند که سعی کرده‌اند تا خمس را به جایگاه اصلی خود که همان سهم رسول مکرم اسلام(ص) و خاندان عصمت و طهارت باشد، بازگردانند.

## 📖 فهرست منابع و مأخذ:

- \* قرآن کریم.
- ۱- ابن اثیر، النهایه، موسسه‌ی اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
  - ۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۰.
  - ۳- ابن سعد، الطبقات ابن سعد، دار صادر بیروت، بی‌تا.
  - ۴- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، دارالکتاب العربی.
  - ۵- ابن ماجه، عبدالله بن یزید القزوینی، سنن ابن ماجه، دارالفکر.
  - ۶- ابن هشام، محمد بن اسحاق، سیره النبی، مکتبه محمد صبیح، مصر، ۱۳۸۳.
  - ۷- احمد بن حنبل، مسند احمد، دار صادر، بیروت، بی‌تا.
  - ۸- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱.
  - ۹- بلاذری، یحیی بن جابر، فتوح البلدان، مکتبه النهضت المصریه، قاهره، مصر، ۱۳۷۹.
  - ۱۰- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، مؤسسه العلمی، بیروت، ۱۳۹۴.
  - ۱۱- بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
  - ۱۲- جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، دارالکتاب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵.
  - ۱۳- طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، تهران، ۱۳۶۷.
  - ۱۴- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، تهران، ۱۳۶۷.
  - ۱۵- مسلم، ابن الحجاج، صحیح المسلم، دارالفکر، بیروت، بی‌تا.
  - ۱۶- النسائی، احمد بن النسائی، سنن النسائی، دارالفکر، بیروت، ۱۳۴۸.
  - ۱۷- الهندی، المتقی، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت لبنان، ۱۹۹۲ م.